

چه چیز ما را به جهنم درآورد؟

در لزوم و چگونگی پرداختن به امر تهیدستان و محرومین

- پیامبر اکرم(ص): از بهترین اعمال در نزد خدا، خنک کردن جگرهای سوخته و سیرکردن شکم‌های گرسنه است. سوگند به آن کس که جان محمد به دست اوست، به من ایمان نیاورده است آن بنده‌ای که سیر بخوابد و برادر (یا همسایه) مسلمانش گرسنه باشد. (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۳۰۴)
- سوره ماعون، ۱-۳: آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌انگارد، شناختی؟ * این همان کس است که یتیم را به سختی می‌راند، * و به خوراک دادن بینوایان ترغیب نمی‌کند.
- سوره بلد، ۱۸-۱۰: و هر دو راه [خیر و شر] را بدو [=انسان] نمودیم؛ * والی [نخواست از گردنه بالا رود]! * و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟ * بنده‌ای را آزاد کردن، * یا در روز گرسنگی، طعام دادن؛ * به یتیمی خویشاوند، * یا بینوایی خاک‌نشین. * و آنگاه از زمره‌ی کسانی بودن که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و به مهربانی سفارش کرده‌اند؛ * اینانند مبارکان.
- سوره فجر، ۲۰-۱۷: ولی نه، بلکه یتیم را نمی‌نوازد؛ * و بر خوراک [دادن] بینوا یکدیگر را بر نمی‌انگیزد؛ * و میراث [ضعیفان] را چپاولگرانه می‌خورید؛ * و مال را دوست دارید، دوست داشتنی بسیار.
- سوره همزه، ۳-۲: مالی گرد آورد و برشمرده؛ * پندارد که مالش او را جاویدان کرده است.
- سوره شعراء، ۱۲۹-۱۲۸: آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که [در آن] دست به بیهوده‌کاری زنید؟ * و کاخ‌های استوار می‌گیرید به امید آنکه جاودانه بمانید؟
- سوره سبأ، ۳۴: و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم.»
- سوره مدثر، ۴۷-۴۲: [اهل بهشت، از مجرمان می‌پرسند:] «چه چیز شما را در آتش [=سَقْرًا] درآورد؟» * گویند: «از نمازگزاران نبودیم، * و بینوایان را غذا نمی‌دادیم، * و با بیهوده‌گویان بیهوده‌گویی می‌کردیم، * و روز جزا را دروغ می‌شمردیم، * تا مرگ ما در رسید [...].»
- سوره یس، ۴۷: و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید»، کسانی که کافر شده‌اند، به آنان که ایمان آورده‌اند، می‌گویند: «آیا کسی را خوراک دهیم که اگر خدا می‌خواست [خودش] وی را می‌خورانید؟ شما جز در گمراهی آشکاری [بیش] نیستید.»
- پیامبر اکرم(ص): خداوند در روز قیامت به مردم آبادی‌ای که در آن کسی شب را گرسنه به روز رسانده نگاه نمی‌کند. (ترجمه الحیاة، ج ۴، ص ۵۴۷)
- امام علی(ع) به روایت امام جعفر صادق(ع): خدا بر مردمان ثروتمند واجب کرده است که به اندازه‌ی نیاز فقیران به ایشان بدهند؛ پس اگر فقیران سقوط کنند، یا رنج کار آنان را از پا در آورد، یا برهنه بمانند، سبب آن، خودداری ثروتمندان از رساندن حق فقیران به ایشان است، و خدا در روز قیامت در این باره به حساب ایشان خواهد رسید و با عذابی دردناک کیفرشان خواهد داد. (ترجمه الحیاة، ج ۳، ص ۳۵۰)
- پیامبر اکرم(ص): نزدیک است که فقر به کفر انجامد. (میزان‌الحکمه، ص ۴۶۵)
- پیامبر اکرم(ص): خدا را به یاد فرمانروایان امتم پس از خود می‌آورم ... [و از آنان می‌خواهم که] مردم را به فقر گرفتار نکنند که [در این صورت مردمان] کافر شوند و از دین بیرون روند، و در خانه‌ی خود را به روی مردم میندند که در این صورت قدرتمندان و توانگران ایشان، ضعیفانشان را خواهند خورد! (ترجمه الحیاة، ج ۳، ص ۵۲۲)
- امام علی(ع): خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر سیر خواری ستمگر و گرسنگی مظلوم سکوت نکنند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳)
- امام کاظم(ع): خداوند هیچ نوع از انواع مال را به حال خود رها نکرده است، بلکه همه را تقسیم کرده و به هر صاحب حقی، از خاص و عام و فقیران و مسکینان، و هر گروه از مردم، حقشان را داده [و معین کرده] است. [امام(ع) آنگاه فرمود:] اگر در میان مردم عدالت اجرا شود، همه بی‌نیاز خواهند شد. (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۳۲۵)
- امام حسین(ع) [در خطبه‌ای که در سرزمین منا ایراد نمودند:] خداوند می‌فرماید: «مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.» [سوره‌ی توبه، ۷۱]. خداوند از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک واجب آغاز کرد، زیرا می‌دانست که اگر این [فریضه] ادا شود و بر پا گردد، همه‌ی فرایض، از آسان و دشوار، بر پا می‌شوند؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است، به همراه بازگرداندن حقوق ستمدیدگان و مخالفت با ستمگر و تقسیم [عادلان] ثروت‌های عمومی و غنایم و گرفتن زکات از جای خود و صرف آن در مواردی که باید.

[...] کوران و گنگان و بیماران زمینگیر در شهرها به حال خود رها شده‌اند و به آن‌ها ترحمی نمی‌شود. [با این حال،] شما به کاری که شایسته‌تان است بر نمی‌خیزید و دیگران را نیز در این راه مدد نمی‌رسانید و با مسامحه و سازش با ظالمان خود را آسوده می‌دارید. این همه، از جمله چیزهایی است که خدا شما را بدان فرمان داده است.

[...] [شما] ناتوانان را به دست ایشان [= ستمگران] تسلیم کردید که یا همچون برده مقهور باشند و یا همچون مستضعفی برای اداره امور زندگی، [در دست ایشان] اسیر. در کشورداری به اندیشه خود هر چه می‌خواهند می‌کنند و در اقتدای به اشرار و گستاخی نسبت به خدای جبار، با پیروی هوای نفس، کار را به رسوایی می‌کشانند. بر منبر هر شهر از شهرهای ایشان خطیبی است که بانگ برمی‌دارد و آنچه می‌خواهد می‌گوید. کشور در برابر ایشان بی‌معارض است و دست‌های ایشان در آن گشاده. مردم بردگان آن‌اند و دستی که [به ستم] ایشان را ضربه زند از خود دفع نتوانند کرد. ستمگرانی که برخی زورگو و ستیزه‌جویند، و برخی بر ناتوانان سلطه‌گر و تندخو؛ اطاعت‌شوندگانی که [خدای] آغازگر [خلقت] و بازگرداننده [به قیامت] را نمی‌شناسند. (تحف‌العقول، باب سخنان امام حسین(ع))

□ امام علی(ع): در هر کجا که خواهی به مردم نظری بیفکن، آیا جز فقری می‌بینی که از تنگدستی رنج می‌برد، یا توانگری که نعمت خداوند را کفران می‌کند؟ یا بخیلی که برای افزودن بر مالش از پرداختن حق خدا بخل می‌ورزد؟ یا طغیانگری که گویا گوشش از شنیدن پندها کر شده؟ خوبان و نیکان شما کجایند؟ و کجایند آزادمردان و سخاوتمندان؟ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۹)

□ امام صادق(ع): خدای تبارک و تعالی، توانگران و تهیدستان را در اموال شریک قرار داده است. پس توانگران حق ندارند [سهم ایشان را] به غیر شرکای خود بدهند. (میزان‌الحکمه، ص ۵۷۴۹)

□ امام علی(ع): بدا به حال کسی که فقیران و مستمندان و سائلان و بینوایان رانده شده و وامداران و در راه ماندگان، در پیشگاه خداوند خصم او باشند. (میزان‌الحکمه، ص ۴۶۸۵)

□ امام صادق(ع): زکات به منظور آزمودن توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است؛ اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی نیازمند نمی‌ماند و، به سبب آنچه خداوند عزوجل برای او واجب کرده است، بی‌نیاز می‌شد. مردم فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند مگر به سبب گناهان ثروتمندان. (میزان‌الحکمه، ص ۲۱۸۵)

□ امام صادق(ع): خداوند عزوجل در داری‌های توانگران به جز زکات [واجب]، حقوقی دیگر واجب و مقرر کرده و فرموده است: «و آنان که در اموالشان حقی است معین، برای سائل و محروم» [سوره معارج، ۲۴]. بنابراین، حق معلوم و معین، که حقی جز زکات [واجب] است، چیزی است که هرکس باید وظیفه خود بداند که از مالش پرداخت کند و به اندازه توان و وسعت مالی که دارد آن مقدار را بر خود واجب شمارد و بسته به میل خود هر روز یا هر جمعه یا هر ماه بپردازد. (میزان‌الحکمه، ص ۲۱۹۱)

□ امام صادق(ع): خداوند در اموال ثروتمندان بخشی را مخصوص فقرا و حق ایشان تعیین نموده است و ثروتمندان به هنگام پرداخت آن، منتی بر فقرا ندارند، و آن زکات است. پس چون آن مال به فقیر برسد همچون مال خود او است و هر چه خواهد با آن می‌تواند بکند. [اروی حدیث می‌گوید: گفتیم: «مثلاً با آن همسر اختیار کند و به سفر حج برود؟» فرمود: آری، آن مال، مال او است. «گفتم: «آیا فقری که با پول زکات حج می‌گزارد، پاداشی همچون حج شخص ثروتمند (که با پول خود حج می‌گزارد) دارد؟ فرمود: آری. (ترجمه الحیاء، ج ۶، ص ۳۴۶)

□ ابان بن تغلب می‌گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: «مرا از حق مؤمن بر مؤمن خبر ده»، فرمود: «ای ابان! اینکه با دادن نیمی از مال خود به او، وی را شریک خویش بدانی؟» سپس به من نگاه کرد و دریافت که این حکم بر من سخت آمده است، پس فرمود: «ای ابان! آیا نمی‌دانی که خدای بزرگ از کسانی که دیگران را بر خود برمی‌گزینند [و مقدم می‌دارند و ایثار می‌کنند، به نیکی] یاد کرده است؟» گفتم: «چرا، فدایت شوم!» فرمود: «تا آن هنگام که او را در مال خود شریک قرار داده‌ای، هنوز ایثار نکرده‌ای، بلکه با او برابر شده‌ای؛ هنگامی نسبت به او ایثار می‌کنی که از نیمه دیگر خود چیزی به او ببخشی.»

(اشاره‌ی امام صادق(ع) به آیه ۹ سوره حشر است: «کسانی که پیش از آنان در سرای اسلام [مدینه] جای گرفتند و ایمان را پذیرفتند [=انصار]، کسانی که به سوی آنان هجرت کرده‌اند [=مهاجرین] را دوست می‌دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است، در دل خود احساس نیاز نمی‌کنند، و [آنها را] هرچند خود نیازمندی داشته باشند، بر خود بر می‌گزینند، و هر کس که از آزمندی نفس خویش در امان ماند، آنانند که رستگارانند.» (ترجمه الحیاء، ج ۶، ص ۶۴۳)

□ امام صادق(ع): خداوند نیکی را در صورتی پاداش می‌دهد که در پی درخواست [نیازمند] نباشد، لیکن هنگامی که برادرت در حالی نزد تو بیاید که چهره‌اش از شرم سرخ شده است، و دل به دریا زده است، و نمی‌داند چیزی را که می‌خواهد به او می‌دهی یا نمی‌دهی، سوگند به خدا- و بار دیگر سوگند به خدا- اگر همه داری‌ی خویش را به او ببخشی، آبروی او را باز نگردانده‌ای. (ترجمه الحیاء، ج ۴، ص ۴۱۸)

□ امام صادق(ع): [...] و اما عالمی که در طبقه سوم دوزخ قرار دارد، آن است که در تعلیم دانش به دیگران ثروتمندان را شایسته تر می‌داند و فقرا و تهی‌دستان را از دانش محروم می‌سازد [...] (آثارالصادقین، ج ۱۳، ص ۵۸۲)

□ پیامبر اکرم(ص)، در سفارش به علی(ع) فرمود: ای علی! هیچ فقری شدیدتر از نادانی نیست ... (ترجمه الحیاء، ج ۳، ص ۴۶۴)

□ پیامبر اکرم(ص)، در سفارش به علی(ع) فرمود: «فقر، مرگی بس بزرگ است.» عرض شد: «فقر درهم و دینار؟» فرمود: «فقر در دین.» (میزان‌الحکمه، ص ۴۶۷۳)

□ امام صادق(ع): اطعام مؤمنی را دوست‌تر از آن دارم که ده بنده آزاد کنم و ده حج به‌جای آورم. [راوی حدیث (نصر بن قابوس) می‌گوید: گفتیم: «ده بنده و ده حج؟» فرمود: ای نصر، اگر غذایش ندهید یا خواهد مرد، یا او را ناگزیر کرده‌اید که پیش دشمن برود و چیزی بخواند؛ و مرگ برای او بهتر از خواستن چیزی از دشمن است. ای نصر! هر که مؤمنی را زنده کند، چنان است که همه‌ی مردم را زنده کرده باشد. (ترجمه الحیاء، ج ۵، ص ۳۱۹)

□ امام کاظم(ع): هر کس از راه حلال برای خود و خانواده‌اش روزی فراهم آورد، همچون مجاهد در راه خدای عزوجل است؛ و اگر از عهده [این کار] بر نیاید، قوت عیال خود را از بیت‌المال وام گیرد؛ و اگر بمیرد و آن وام را ادا نکرده باشد، بر امام است که آن را ادا کند و اگر این کار را نکند بار [مسئولیت] آن بر او است. خدای عزوجل فرموده است: «صدقات [=زکات]، تنها به تهی‌دستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و دلجویی شدگان، و [استفاده] در [راه آزادی] بردگان، و وام‌داران، و [هزینه] در راه خدا، و به در راه مانده اختصاص دارد» [سوره توبه، ۶۰]، و آن‌که هزینه زندگی ندارد تهی‌دست و بینوا و وام‌دار است. (ترجمه الحیاء، ج ۲، ص ۵۵۶)

□ امام سجاد(ع): گناهی هستند که از باران جلوگیری می‌کنند: ظلم حکام در قضاوت، ... زکات و قرض و عاریه ندادن، و سنگدل بودن نسبت به اهل فقر و فاقه، و ظلم کردن به یتیمان و بیوه‌زنان، و رد کردن سائل در شب. (ترجمه الحیاء، ج ۵، ص ۶۷۲)

□ پیرمرد نابینایی از راهی می‌گذشت و از مردمان پولی طلب می‌کرد. امام علی(ع) [او را دید و] پرسید: «این چیست [و چه وضعی است]؟!» گفتند: «ای امیرمؤمنان، مردی نصرانی است.» فرمود: «او را به کار گرفتید تا زمانی که پیر و عاجز شد، سپس [راهایش کردید و] به او چیزی ندادید؟ از بیت‌المال به او خرجی بدهید.» (ترجمه الحیاء، ج ۶، ص ۴۵۳)

□ امام علی(ع) [از خطبه‌ای در صفین]: هیچ‌کس، هر چند او را کوچک بدانند، و در دیده‌ها ناچیز باشد، کمتر از آن نیست که دیگران را در ادای حق یاری رساند و یا [استحقاق] آن را نداشته باشد که [دیگران به یاری او برخیزند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶)

□ امام رضا(ع): هر کس با مسلمانی فقیر روبرو شود و به او طوری سلام کند که با سلام کردنش به ثروتمندان متفاوت باشد، روز قیامت خدای عز و جلّ را دیدار می‌کند در حالی که خدا از او در خشم است. (میزان‌الحکمه، ص ۴۶۷۵)

□ امام سجاد(ع) [در دعا]: خداوندا! ... مرا مصون بدار از این که ناداری را پست انگارم یا ثروتمندی را [به خاطر ثروتش] برتر و شریف شمارم، که شریف آن است که طاعت تو او را شرافت بخشیده باشد و عزیز کسی است که بندگی تو او را عزیز کرده باشد. (میزان‌الحکمه، ص ۴۴۰۷)

□ مردی از اهل بلخ روایت می‌کند که: با [امام] رضا(ع) در سفرش به خراسان همراه بودم، یک روز مردمان را به مهمانی دعوت کرد، و آن‌ها را با خدمتگزاران، از سیاهان و جز ایشان، همه را بر سر یک سفره نشانید. من گفتم: «فدایت شوم! بهتر نبود سفره‌ی اینان را جدا می‌کردید؟» فرمود: «خاموش! که پروردگار - تبارک و تعالی - یکی است، و مادر یکی، و پدر یکی؛ و پاداش طبق کردارهاست.» (ترجمه الحیاء، ج ۵، ص ۲۰۰)

□ امام صادق(ع): مردی توانگر با جامه‌ای پاکیزه نزد پیامبر(ص) آمد و کنار او نشست. سپس مردی تنگدست با جامه‌ای کهنه آمد و در کنار مرد توانگر نشست. توانگر دامن جامه‌ی خویش از زیر پای او بیرون کشید. رسول خدا(ص) به او فرمود: «آیا ترسیدی که از فقر او چیزی به تو بچسبند؟» گفت: «نه.» پیامبر(ص) فرمود: «پس چه چیز تو را به کاری که کردی واداشت؟» آن مرد در پاسخ گفت: «مرا همدمی (شیطانی) است که هر کار زشتی را در نظر من می‌آرید و هر کار نیکویی را زشت نشان می‌دهد، اکنون [به جبران عمل زشتم] نصف مالم را به این مرد می‌دهم.» رسول خدا(ص) به آن مرد تنگدست فرمود: «آیا می‌پذیری؟» گفت: «نه.» مرد توانگر به او گفت: «برای چه؟» گفت: «بیم آن دارم که آنچه به درون تو راه یافته است به درون من نیز در آید.» (ترجمه الحیاء، ج ۳، ص ۴۵۶)

□ پیامبر اکرم(ص): کسی که از روی توانگری دهش می‌کند، از کسی که به سبب نیازمندی می‌گیرد برتر نیست. (میزان‌الحکمه، ص ۴۶۸۵)

□ امام علی(ع): چه نیکوست فروتنی توانگران در برابر فقیران برای به دست آوردن خشنودی و پاداش خداوند! و نیکوتر از آن بی‌اعتنایی و عزت فقیران است در برابر توانگران به سبب توکل بر خداوند. (میزان‌الحکمه، ص ۴۶۸۵)

□ یکی از انصار نیازمند شد و برای درخواست کمک نزد پیامبر(ص) رفت. پیامبر(ص) فرمود: «هر چه در خانه داری بیاور و چیزی را بی‌ارزش بشمار.» آن مرد به خانه رفت و با خود نمد و کاسه‌ای آورد. پیامبر(ص) به اصحاب فرمود: «چه کسی اینها را می‌خرد؟» مردی گفت: «من آنها را به یک درهم می‌خرم.»

پیامبر(ص) فرمود: «چه کسی بیشتر می‌خرد؟» مردی گفت: «به دو درهم.» پیامبر(ص) فرمود: «مال تو.» آنگاه به مرد انصاری گفت: «با یک درهم غذایی برای خانواده‌ات فراهم ساز و با یک درهم دیگر تبری بخر.»

آن مرد رفت و تبری بدون دسته خرید و با خود آورد. پیامبر(ص) به اصحاب فرمود: «چه کسی دسته‌ای برای این تبر دارد؟» یکی از حاضران گفت: «من.» پیامبر(ص) آن را گرفت و با دست خود در تبر محکم کرد، و به انصاری فرمود: «برو و هیزم جمع کن، و هیچ خاری و تر و خشکی را ناچیز مشمار او همه را برای فروش بردار.» آن مرد چنین کرد و بعد از پانزده روز آمد، در حالی که وضع زندگی‌اش سامان گرفته بود. پیامبر(ص) فرمود: «این برای تو نیکوتر از آن است که روز قیامت بیایی و بر چهره‌ات آثار گرفتن صدقه ابا وجود داشتن توانایی کار کردن و بی‌نیازی جستن باشد.» (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۴۶۲)

□ امام علی(ع) [در عهدنامه‌ی مالک اشتر]: خدا را! خدا را! دربارهی طبقه‌ی پایین جامعه، آنان که بیچاره‌اند، از مساکین، نیازمندان، بینوایان و زمین‌گیران. در میان اینان برخی اظهار نیاز کنند و برخی دست نیاز به سوی دیگران نگشایند، حقوق ایشان را که خداوند از تو خواسته، حفظ نما. برای آنان سهمی از بیت‌المال و سهمی از غلات زمین‌های دولتی در هر شهر را قرار ده. او بدان که [دورترین آنان همان اندازه سهم دارد که نزدیک‌ترین آنان؛ و از تو خواسته شده که حق همه‌ی ایشان را رعایت کنی. نشاط و سرخوشی تو را از توجه به آنان باز ندارد، چرا که پرداختن به کارهای مهم و بزرگ، عذر ضایع کردن امور کوچک نمی‌شود.

هرگز به امور آنان بی‌اهتمام مباش، و روی از آنان مگردان؛ به کارهای ضعیفانی که دستشان به تو نمی‌رسد رسیدگی کن، همان‌ها که در چشم‌ها خوارند و مردم تحقیرشان می‌کنند. کسی را که بدو اعتماد داری و خداترس و فروتن است مأمور رسیدگی به امور ایشان قرار ده، تا نیازها و مشکلات آنان را برای تو گزارش دهد. آنگاه با آنان چنان رفتار کن که روز ملاقات خداوند معذور و سربلند باشی، زیرا در میان مردم این طبقه کسانی‌اند که از همه نیازمندتر به انصاف و دادورزی هستند، و حقوق همه‌ی مردم جامعه را چنان ادا کن که نزد خداوند معذور و سربلند باشی. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

□ اصحاب صُفّه گروهی از اصحاب رسول خدا(ص) بودند که خانه نداشتند و به روزگار رسول خدا(ص) در مسجد می‌خوابیدند و روزها هم در سایه‌ی آن پناه می‌گرفتند و جایی جز مسجد نداشتند. پیامبر(ص) شب‌ها به هنگام غذا خوردن آنان را فرا می‌خواند و گروهی را میان اصحاب خود تقسیم می‌کرد که با ایشان غذا بخورند و گروهی هم با خود پیامبر(ص) غذا می‌خوردند. (میزان‌الحکمه، ص ۶۱۹۷)

□ امام رضا(ع): به کار بستن عدالت و نیکوکاری باعث پایداری نعمت است. (میزان‌الحکمه، ص ۶۳۶۱)

□ امام علی(ع) [در عهدنامه‌ی اشتری]: هیچ چیز چون بنیاد ستم نهادن، نعمت خدا را دگرگون ندارد و کیفر او را نزدیک نیارد، که خدا شنوای دعای ستمدیدگانست و در کمین ستمکاران. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

□ امام علی(ع) [در عهدنامه‌ی اشتری]: زمین جز با تنگدستی ساکنان آن ویران نشود. مردم شهرها هنگامی تنگدست گردند که والیان روی به گرد آوردن مال آرند و به ماندن خود بر سر کار بی‌اعتماد باشند و از عبرت‌ها کمتر سود برند. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

□ امام علی(ع) [خطاب به عثمان بن حنیف انصاری، کارگزار وی در بصره]: به من خیر رسیده است که مردی از جوانان بصره تو را به مهمانی‌ای خوانده است و تو بدانجا شتافته‌ای. خوردنی‌های نیکو برای آورده‌اند و پی در پی کاسه‌ها پیشت نهاده. گمان نمی‌کردم تو مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندشان به جفا رانده است و بی‌نیازشان خوانده. بنگر کجایی و از آن سفره چه برمی‌گیری.

[...] و من نفس خود را با پرهیزگاری می‌پرورانم تا در روزی که پُربیم‌ترین روزهاست در امان آمدن تواند، و بر کرانه‌های لغزشگاه پایدار ماند. و اگر خواستمی دانستمی چگونه عسل پالوده و مغز گندم، و بافته‌ی ابریشم را به کار برم. لیکن هرگز هوای من بر من چیره نخواهد گردید، و حرص مرا به گزیدن خوراک‌ها نخواهد کشید. چه بود که در حجاز یا یمامه کسی حسرت گرفته نانی برد، یا هرگز شکمی سیر نخورد، و من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته، و جگرهایی سوخته. یا چنان باشم که گوینده سروده: «درد تو این بس که شب سیر بخوابی و گرداگردت جگرهایی بود در آرزوی پوست بزغاله.» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵)

□ امام علی(ع) [در وصیت به حسن و حسین علیهماالسلام، هنگامی که ابن‌ملجم او را ضربت زد]: [...] شما و همه‌ی فرزندانم و کسانم و آن را که نامه‌ی من بدو رسد، سفارش می‌کنم به پروای خدا را داشتن و آراستن کارهایتان، و اصلاح بین خود، که من از جدّ شما شنیدم که می‌گفت: «اصلاح کردن [رابطه] میان مردمان از همه‌ی نماز و روزه‌ها برتر است.» خدا را! خدا را! دربارهی یتیمان، آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید، و نزد خود ضایعشان مگذارید. و خدا را! خدا را! همسایگان را بیایید که سفارش شده‌ی پیامبر شمایند، پیوسته دربارهی آنان سفارش می‌فرمود چندان که گمان بردیم برای آنان اثری معین خواهد نمود. و خدا را! خدا را! دربارهی قرآن، مبدا دیگری بر شما پیشی گیرد در رفتار به حکم آن.

[...] و خدا را! خدا را! دربارهی جهاد در راه خدا به مال‌هاتان و به جان‌هاتان و زبان‌هاتان! بر شما باد به یکدیگر پیوستن و بذل و بخشش به یکدیگر. مبدا از هم روی بگردانید، و پیوند هم بگسلانید. امر به معروف و نهی از منکر را وا مگذارید که بدترین‌های شما حکمرانی شما را به دست گیرند، آن‌گاه دعا کنید و اجابت نگردد. (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷)